



# اسم مسیحی ویهودی

## بیان های اتحاد آمریکا واسرائیل رابنانهاد ؟

به عدم دقت در وضعیت قانونی آن مرتبط است. »

باوجود این عدم دقت و همچنین تاحدودی به دلیل آن، تعریف IHRA به ابزار مهمی در تلاش ادامه‌دار برای بازتعریف یهودستیزی در قوانین و سیاست آمریکا تبدیل شده است. از آن به‌عنوان معیاری قانونی برای تعریف یهودستیزی استفاده می‌شود و حضور فراینده‌ای در هر دو قوانین ایالتی و فدرال دارد. در آوریل امسال، ایالت کانزاس تعریف IHRA از یهودستیزی را با حمایت دوحزبی پذیرفت و لورا کلی، فرماندار این ایالت لایحه‌ای را امضا کرد که بر اساس آن یهودستیزی، همانگونه که IHRA توصیف می‌کند «علیه سیاست عمومی این ایالت از جمله اهداف نهادهای آموزش عمومی و آژانس‌های اعمال قانون در این ایالت است که البته محدود به آن نمی‌شود.» با این حال، جک گولدستاین از انجمن «صدای یهودیان برای صلح در کانزاس سیتی» توضیح می‌دهد که «هدف اصلی چنین لایحه‌ای خاموش کردن صدای مخالفان اسرائیل در محوطه دانشگاه‌هاست. مخصوصاً آنان که جمهوری خواهان در قدرت هستند، تمایل دارند که مخالفان را اینگونه ساکت کنند. مخصوصاً زمانی که (سرنوشت) کشور به اسرائیل گره خورده و هنوز پول و سلاح‌های بسیاری به اسرائیل ارسال می‌شود.»

در ماه‌های اخیر موج بزرگی از قوانین ایالتی که در آنها از تعریف یهودستیزی به‌عنوان ابزاری برای سلاح استفاده می‌شود تا حدی به دلیل نفوذ ملی فراینده پروژه استر، ابتکار بنیاد هریتیج است که نه‌تنها گروه‌های فلسطینی بلکه ائتلاف گسترده سازمان‌های ترقی خواه و چپ‌گرایان را در بر می‌گیرد تا با بدنام کردن آنها با اتهامات یهودستیزی و نشان دادن آنها به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی، این جنبش‌ها را «مختل و تخریب» کند.

تحت پوشش بازتعریف شبه‌قانونی IHRA از یهودستیزی، زندگی مردم آمریکا از جمله زیست دانشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و فراتر از آن در حال تغییر است. آنچه که یک تغییر کوچک و فنی در اصطلاحات به‌نظر می‌رسد به ابزاری بی‌رحمانه از کنترل و سرکوب سیاسی، انسجام قدرت اجرایی و قانونی برای اجرایی کردن توصیف محدود و مورد تایید دولت از یهودیسم به هزینه دیگران تقویت شده است. چنانچه ایتمار مان و لیهی یونا، پژوهشگران اسرائیلی تاکید می‌کنند، تعریف IHRA «مانعی از هویت صهیونیستی را بر یهودی‌های آمریکایی تحمیل می‌کند تا به آنها بگویند برخی مواضع سیاسی با یهودی بودن اصیل ناسازگاری دارند.» آنها می‌نویسند، با تصویب تعریف IHRA در قانون، دولت آمریکا «در یک مباحثه درون یهودی جانبداری می‌کند، از یهودی‌های صهیونیست در جنگی علیه مخالفان ایدئولوژیک استفاده می‌کند. بازتعریف یهودستیزی بنابراین نه‌تنها حمله‌ای به مخالفان سیاسی بلکه نفوذی است به زندگی مذهبی یهودیان.»

جوامع یهودی همیشه در مورد مسائل ملیتی و ارتباط با اقتدار سیاسی دیدگاه مختلف و متکثری داشته‌اند. برای اینکه دولت تصمیم بگیرد کدام دیدگاه‌ها اصالتاً یهودی هستند و کدام نیستند برای قانونی کردن نوعی از سازمان مذهبی تحت حمایت دولت است. برای اینکه دولت به یهودی‌ها بگوید که باید صهیونیست

باشند تا اینکه اصالتاً یهودی باشند نه‌تنها با دموکراسی سازگار نیست بلکه حق آزادی بیان پژوهشگران یهودی مثل دانیال بوپارین اسرائیلی آمریکایی، هرمان پی و سوفیا تومین، استاد فرهنگ یهودی در دپارتمان‌های مطالعات خاور نزدیک و فن بیان در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی و نویسنده «راه حل هیچ کشوری: یک مانیفست یهودی» و شال مگید، استاد مطالعات مدرن یهودی در محل اقامات در دانشگاه هاروارد و نویسنده «لزوم تبعید: مقالاتی از فاصله دور» را نیز نقض می‌کند.

منتقدان نسل کشی در غزه و برخورد اسرائیلی‌ها با فلسطینی‌ها در کرانه باختری و اسرائیل به‌رغم خطرات جرم‌انگاری همچنان علیه تلفیق یهودستیزی با ضدصهیونیسم اعتراض می‌کنند. خیلی‌ها اصرار دارند کاربرد گسترده برچسب «یهودستیزی» بر صدا‌های حامی فلسطینیان، حقوق یهودی‌های آمریکایی را (برای اجرای مذهب خود به‌ششیه‌ای که مناسب می‌دانند، زیر پا می‌گذارد.

برچسب مواضع ضداسرائیلی به‌عنوان یهودستیزی مخالفان را مجرم‌انگاری می‌کند و از بحث و گفت‌وگوی صادقانه درباره اقدامات اسرائیل ممانعت می‌کند. ساری مک‌دیس، پژوهشگر ادبی در دانشگاه UCLA توضیح می‌دهد که چگونه به این نقطه رسیدیم: سال‌هاست سازمان‌هایی مثل اتحادیه ضدافترا ADL به رهبری جاناتان گرین‌بلت با پشتکار زیاد کار کرده تا مفهوم «یهودستیزی» را بازتعریف کنند تا انتقاد از صهیونیسم با سیاست‌های دولت اسرائیل را که در معنای لغوی این اصطلاح، نژادپرستی علیه مردم یهود است، بگنجانند. بنابراین زمانی که ADL گزارش‌های «یهودستیزی در دانشگاه‌ها» را جمع‌بندی می‌کند یا از «جهش در یهودستیزی» در سراسر کشور هشدار می‌دهد، هشدارهایی که از سوی نیویورک تایمز و گاردین دریافت، تفسیر و بزرگنمایی می‌شوند، تشخیص احساسات ضدیهودی واقعی از اعتراضات علیه جنگ اسرائیل در غزه که در دانشگاه‌های سراسر کشور «افزایش» یافته عمداً غیر ممکن می‌شود. با این حال به‌رغم خطرات قابل توجه بدنام شدن با برچسب یهودستیزی یا مختل شدن تحصیلات (یا بدتر از آن)، اختلاف نظر در میان رای‌دهندگان مختلف همچنان رو به افزایش است. هنوز در میان یهودی‌های آمریکایی به‌ویژه در میان نسل‌های جوان تر که انواع بی‌پایان دلبستگی به یهودیسم و یهودیت آنها را به سمت حمایت بی‌چون و چرا از کشور یهود سوق نداده، افزایش پیدا کرده است. برخی دولت اسرائیل را عامل خشونت علیه یهودیسم می‌بینند. البته فرض اینکه یکی یهودی است و باید از اسرائیل حمایت کند به‌خودی خود یهودستیزی است. همانطور که اخیراً گروهی از پژوهشگران یهودی در دانشگاه هاروارد استدلال کرده‌اند، چنین اتهاماتی «با قرار دادن یهودیان در معرض کلیشه‌های مضر در مورد آنچه هویت یهودی «اصیل» را تشکیل می‌دهد، ماده ششم قانون حقوق مدنی را نقض می‌کند.»

گسست از عرف «آمریکاسرائیل» همچنین در میان بسیاری از دانشجویهای خودم در نورث‌وسترن، چه در مقطع کارشناسی و چه در مقطع کارشناسی ارشد، در حال افزایش است چراکه برای آنها دین سیاسی مورد حمایت دولت و مورد تایید دانشگاه با درک آنها از

**در ماه‌های اخیر موج بزرگی از قوانین ایالتی که در آنها از تعریف یهودستیزی به‌عنوان ابزاری برای سلاح استفاده می‌شود تا حدی به دلیل نفوذ ملی فراینده پروژه استر، ابتکار بنیاد هریتیج است که نه‌تنها گروه‌های فلسطینی بلکه ائتلاف گسترده سازمان‌های ترقی‌خواه و چپ‌گرایان را در بر می‌گیرد تا با بدنام کردن آنها با اتهامات یهودستیزی و نشان دادن آنها به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی، این جنبش‌ها را «مختل و تخریب» کند**

**پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴**  
**سال چهارم • شماره ۸۸۳**  
www.hammihanonline.ir

آزادی آکادمیک و شخصی مغایر است. این دانشجویان از پذیرش این ایده که مدیریت دانشگاه می‌تواند آنها را مجبور به پذیرش تحریف‌ها، تبلیغات سیاسی و تاریخ تحریف‌شده کند که توسط آموزش اجباری «ضدتعصب» ارائه می‌شود، خودداری می‌کنند.

دولت آمریکا به‌نام محافظت از سایر دانشجویان (و حامیان خود در خارج از دانشگاه‌ها) در برابر آزرده‌خاطر شدن، آموزش اجباری را اجرا و سیاست تجمعات در دانشگاه‌ها را محدود کرده است. با این حال، دانشجویان مخالف از پذیرش این موضوع سر باز زده‌اند. این امر تا حدی به لطف سرسختی آنهاست که اکنون برای اولین دهه‌ای که در دانشگاه نورث‌وسترن تدریس می‌کنم، می‌توانم موضعی را به‌طور علنی اعلام کنم که از اصول عرف سرسختانه «آمریکاسرائیل» منحرف شده است.

چنین فضایی برای مخالفت با «آمریکاسرائیل» فراتر از دانشگاه نورث‌وسترن می‌روند در ماه ژوئن امسال در مناظره شهرداران دموکرات در شهر نیویورک مشهود شد که در آن از نامزدها پرسیده شد پس از شهردار شدن، به کدام کشور خارجی سفر می‌کنند. اندرو کومو فوراً پاسخ داد: اسرائیل. زهران ممدانی، رقیب کومو و برنده انتخابات مقدماتی گفت که در نیویورک می‌ماند. آنچه ممدانی در ادامه گفت شایسته توجه بیشتری نسبت به آن چیزی است که دریافت کرده است. ممدانی گفت که «به‌عنوان شهردار، من از حقوق یهودیان نیویورکی حمایت می‌کنم و در هر کجایی که در سراسر پنج بخش نیویورک باشند، چه در کنیسه‌ها و معبد‌هایشان یا در خانه‌ها یا سکوهای مترو باشد، با آنها دیدار خواهم کرد.» سخنان او، یهودیان نیویورکی را به‌عنوان شهروندان درجه یک نیویورک، نه به‌عنوان اسرائیلی‌های آینده یا به‌عنوان بیگانگان، در مرکز توجه قرار می‌دهد. ممدانی مراقب است که فرض نکند اولین وفاداری یهودیان نیویورکی به یک ایالت دیگر، یک ملت دیگر، یک دین سیاسی دیگر است.

اظهارات ممدانی را با رفتار دونالد ترامپ با یهودی‌های آمریکایی به‌عنوان بیگانگان یا حتی اسرائیلی‌های مخفی مقایسه کنید. ضروری سازی و بدنام کردن تفاوت یهودیان در بین خطوط سخنرانی ترامپ در سال ۲۰۱۹ مقابل یهودی‌های آمریکایی کاملاً نهفته است که در آن ترامپ از بنیامین نتانیاهو به‌عنوان «نخست‌وزیر شما» یاد کرد که نشان می‌دهد اسرائیل یا ضمیمه‌ای از جوامع یهودی آمریکایی است یا اینکه یهودی‌های آمریکایی به اسرائیل وابسته‌اند. فرض بر این است که یهودی‌های آمریکایی وفاداری دوگانه دارند، که خود یک استعاره قدیمی یهودستیزانه است. ترامپ ادعا کرد کسانی که به دموکرات‌ها رای می‌دهند، به مردم یهود و به کشور اسرائیل وفادار نیستند. در سال ۲۰۲۴، او تا جایی پیش رفت که ادعا کرد «هر فرد یهودی که به دموکرات‌ها رای می‌دهد از دین آنها متنفر است.»

طرفداری یهودستیزانه از صهیونیسم موضوع جدیدی نیست، هر چند در آمریکا عمدتاً از گفت‌وگوی مؤدبانه خارج شده است. ایمی کاپلان، مورخ فقید در کتاب خود با عنوان «اسرائیل آمریکایی ما: داستان یک اتحاد درهم‌تنیده» به‌ما یادآور می‌شود که «حتی حمایت از صهیونیسم اغلب تهرنگ یهودستیزانه داشته است، ارتباطی که حالا تا حد زیادی توسط داستان جریان اصلی پنهان شده بر این مبناست که آمریکایی‌ها در ترویج دولت یهود، یهودستیزی را رد می‌کنند و سعی در جبران هولوکاست داشته‌اند.»

کاپلان توضیح می‌دهد که صهیونیست‌های اولیه آمریکایی، مثل بارتلی کرام، وکیل حقوق مدنی آمریکایی بر این باور بودند که یهودی‌هایی که در فلسطین بزرگ شده‌اند قوی‌تر، بورتر، چشم آبی‌تر و غربی‌تر و سفیدپوست‌تر از نسل‌های قبلی هستند که در شرق اروپا بزرگ شده‌اند. برتری سفیدپوستان در قلب یهودستیزی حامی صهیونیسم قرار دارد. اتالیا عمر، استاد مطالعات دین، درگیری و صلح در دانشگاه نوتردام توضیح می‌دهد «اشتیاق راست افراطی برای یک کشور قومی مشابه اسرائیل (جایی که سفیدپوستان بتوانند در امنیت زندگی کنند) در واقع کاملاً با یهودستیزی مدرن هماهنگی دارد. این امر نشان دهنده بازتعریف یک اصل نازی «ملت یک، یک قلمرو» و آرزوی جابه‌جایی مهاجران یهودی از جوامع اروپایی سفیدپوست است؛ جایی که ظاهر در آنجا بافعال کردن کلیشه‌های یهودستیزانه آشنا، عامل فروپاشی و زوال ارزش‌های مدرس‌الزانه و اشکال اقتدار بوده‌اند.»

با این حال همیشه جایگزین‌ها و مخالفتی وجود داشته‌اند. لوئیس سیگل‌بوم، مورخ، سنت‌های شکوفای اندیشه و عمل یهودی غیرناسیونالیستی را «امیراث‌داران سنت دیرینه یهود» توصیف می‌کند «که به یاروخ اسپینوزا، فیلسوف یهودی-پرتهالی قرن هفدهم برمی‌گردد» و توسط هاینریش هاینه، شاعر یهودی-آلمانی، کارل مارکس، رزا لوکزامبورگ و لئون تروتسکی ادامه یافته است.» امروزه این سنت از سوی گروه‌هایی که نماینده آرمان‌های جمعی و اشتراکی یهودیان جایگزین هستند، مثل «صدای یهود برای صلح»، «اگر الان نه» و مجله جریان‌های یهودی و دیگران ادامه می‌یابد. این سنت گوشه‌هایی از کمپین ریاست جمهوری برنی سندرز در سال ۲۰۲۰ را تحت‌تاثیر قرار داد که در آن روابط آمریکا و اسرائیل نه به‌عنوان یک پروژه سیاسی-مذهبی یکپارچه بلکه به‌عنوان فرصتی برای بازنگری در معنای آمریکایی بودن، یهودی بودن، مسیحی بودن یا فقط یک انسان بودن در رابطه با صهیونیسم در نظر گرفته می‌شود. این نشان می‌دهد که اکنون تعداد فراینده‌ای از آمریکایی‌ها با حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل مخالف‌اند.

هزینه‌هایی که دین سیاسی «آمریکاسرائیل» به‌همراه دارد، بسیار زیاد است. این هزینه‌ها با از‌های مختلفی پرداخت می‌شوند: نظارت مک‌کارتی بر گفتار و اندیشه، فساد در بررسی پرونده‌های ورود به دانشگاه‌ها، تخریب جزئی ملزومات زندگی در غزه و کارزاری وحشیانه برای حذف فلسطینی‌ها، چه در گذشته و چه در حال. می‌توان خارج از لفاظی‌های رایج ایستاد و از جریان مرگباری که صهیونیسم و آمریکابازی را با هم ادغام می‌کند، فرار کرد. یافتن جایگزین آسان است: این جایگزین با مرزدان و مخالفان است.

**ترجمه: یاسمن طاهریان**

**سیاستمداران**



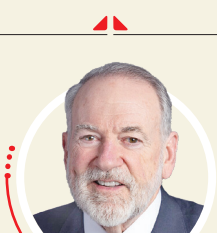
### پوتین خرابکار، جاسوس و قاتل

صدراعظم آلمان، رئیس‌جمهور روسیه را به تلاش برای بی‌ثبات کردن اروپا متهم کرد و گفت مسکو با حمله پهپادها به لهستان و رومانی «در حال آزمایش مرزها» است. فردریش مرتس، صدراعظم آلمان در اظهاراتی تند به «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه تاخت و مدعی شد: «پوتین مدت‌هاست که مرزها را آزمایش می‌کند؛ او خرابکاری، جاسوسی، قتل می‌کند و عمداً بذر عدم قطعیت می‌باشد.» مرتس که در جریان بررسی بودجه در پارلمان صحبت می‌کرد، با اتهام‌زنی به کرملین افزود: «روسیه قصد دارد جوامع ما را بی‌ثبات کند، اما ما از وقوع این اتفاق، چه در خارج و چه در داخل، جلوگیری خواهیم کرد.» صدراعظم آلمان در پاسخ به انتقادات احزاب مخالف در مورد سیاست‌های آلمان در قبال اوکراین گفت که دولت‌ش از تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ حمایت می‌کند اما از «صلح دیکته‌شده» به قیمت اراده اوکراین حمایت نخواهد کرد. این رهبر محافظه‌کار آلمانی تأکید کرد: «پایان دادن به جنگ به قیمت حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی اوکراین غیرممکن است.»



#### مخالفت دروزی‌ها با پیشنهاد دولت

«کمیته عالی حقوقی السويدا» بیانیه وزارت خارجه دولت سوریه درباره نقشه‌راه برای حل بحران این استان دروزی‌نشین را رد و بر حق السويدا برای تعیین سرنوشت خود از طریق جدایی با خودمختاری تأکید کرد. این کمیته که از بسوی «حکمت الهجری»، رهبر معنوی دروزی‌های السويدا تشکیل شده است، اظهار داشت بیانیه وزارت خارجه دولت احمد الشرع حاوی یک تناقض آشکار است و باید کمیته مستقل بین‌المللی برای انجام تحقیقات درباره تخلفات روی داده در این استان تشکیل شود. این کمیته دروزی‌ها تصریح کرد که تناقض مذکور موجب بی‌محتوا شدن هرگونه تحقیقات بین‌المللی می‌شود، زیرا اعلانیه نیست که متهم همان قاضی باشد. این کمیته دربیانه خود اظهار داشت: «دمشق تلاش می‌کند خود را به عنوان یک گروه بی‌طرف نشان دهد؛ در حالی که در واقع، دولت و دستگاه‌های امنیتی و نظامی آن همدست مستقیم در قتل عام‌ها و خشونت‌هایی بودند که منجر به کشته، مفقود و روده‌شدن هزاران غیرنظامی شد.»



### حمایت از الحاق کرانه باختری

سفیر ایالات متحده در اراضی اشغالی، رژییم صهیونیستی را «تنها شریک واقعی» واشنگتن در منطقه دانست و گفت در صورت اقدام این رژیم برای الحاق کرانه باختری، آمریکا مخالفتی نخواهد داشت. مایک هاکبی، سفیر آمریکا در اراضی اشغالی در پاسخ به پرسشی درباره واکتش آمریکا به الحاق احتمالی کرانه باختری، گفت: «ما اسرائیل را به‌عنوان یک «کشور» دارای حاکمیت محترم می‌شمایم.» این مقام آمریکایی اعلام کرد که هر چند واشنگتن دوستان و متحدانی در منطقه دارد، اما رژیم اشغالگر صهیونیستی «تنها شریک واقعی» آمریکا در این منطقه است. وی افزود: «ما به اسرائیل نخواهیم گفت چه کاری می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد، همان‌طور که انتظار نداریم اسرائیل به ما بگوید چه کاری می‌توانیم یا نمی‌توانیم انجام دهیم.» هاکبی همچنین اصطلاح «کرانه باختری» را «امیهم و غیرتاریخی» توصیف کرد و مدعی شد که استفاده از عبارات «یهودا و سامره» صحیح‌تر است. او ادعا کرد که این نام‌ها دارای «۳۰۰ سال» سابقه تاریخی هستند.